

معرفی و نقد کتاب

قدمت ملت‌ها^۱

بی‌گمان آنتونی دی‌اسمیت که برجسته‌ترین نظریه‌پرداز مسائل ملیت، قومیت و ملیت‌گرایی معاصر به‌شمار می‌رود، از پرکارترین پژوهشگران این عرصه نیز هست. گرچه در سال‌های دهه ۱۹۸۰م. نظریه‌پردازانی همچون ارنست گلنر، اریک هابسباوم و بندیکت آندرسون با انتشار آثار خود به مهم‌ترین نظریه‌پردازان بحث‌های ملیت و ملیت‌گرایی تبدیل شدند و مکتب مشهور به نوگرایی را (که برخی از آن به عنوان ساختارگرایی و ابزارگرایی) نیز نام می‌برند، پایه‌گذاری کردند؛ اما با انتشار تدریجی مقالات و سپس کتاب‌های آنتونی دی‌اسمیت (که خود دانشجوی ارنست گلنر بود، اما بعدها به نقد اندیشه‌های استاد خود دست زد)، او به یکی از عمده‌ترین صاحب‌نظران آن عرصه تبدیل شد. کتاب مهم او یعنی *نظریه‌های ناسیونالیسم* که در سال‌های دهه ۱۹۷۰م. منتشر شد هنوز هم برجسته‌ترین اثر در این رابطه به‌شمار می‌رود. اهمیت دی‌اسمیت تنها به این دلیل نیست که برخلاف سایر نظریه‌پردازان حوزه ناسیونالیسم و قوم‌گرایی به یک اثر بسنده نکرده و هم‌چنان به انتشار آثار مهم در این رابطه مشغول است (و در واقع با به راه انداختن نشریه «ملت‌ها و ناسیونالیسم»^۲، یکی از تخصصی‌ترین نشریات علمی - پژوهشی را در این عرصه مدیریت می‌کند)، بلکه به این جهت است که پایه‌گذار مکتبی شد که نقاط قوت و ضعف سایر کلیت‌های عرصه مطالعات ملی را به بحث گذاشت و دیدگاه سومی را ارائه داد که بیش از سایر مکتب‌های معروف به کهن‌گرایی^۳ و نوگرایی^۴، به تبیین پدیده پیچیده ملیت و ملیت‌گرایی و زیرشاخه پژوهشی آن، یعنی قومیت و قوم‌گرایی نزدیک است. این مکتب

1. Smith, Anthony D. (2004); *The Antiquity of Nations*, London: Polity Press.

2. Nations and Nationalism

3. Primordialism or Prennialism

4. Modernist

بر آن بود که نه دیدگاه کهن‌گرایان و ازلی‌گرایان را که می‌گویند ملیت و ملیت‌گرایی و یا اصولاً ملت پدیده‌ای ازلی و بسیار کهن است (همانند وان دن برگه و پیروان او) نمی‌توان به‌طور درستی پذیرفت و نه دیدگاه نوگرایانی چون آندرسون، گلنر و هابسباوم و پیروان آنها که برآند اصولاً پدیده‌های ملت و ملیت‌گرایی پدیده‌های کاملاً نوین و پیامد تحولات مدرن چون دولت‌های ملی و ایدئولوژی ملیت‌گرایی و یا مهم‌تر از آن نظام اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشند. به نظر دی‌اسمیت نگاه دقیق جامعه‌شناسی تاریخی و داده‌های موجود مربوط به تاریخ و تمدن بشری هم دیدگاه‌های کهن‌گرایان و هم نوگرایان را به‌طور نسبی مورد تأیید قرار می‌دهد.

با توجه به این یافته‌ها بود که آنتونی دی‌اسمیت در کتاب برجسته‌ای چون ریشه قومی ملت‌ها^۱، نظریه قابل قبول‌تری را که به مکتب ترکیبی و به عبارت خود او رهیافت «نمادگرایی قومی»^۲ مشهور شده است، ارائه داد. از نظر دی‌اسمیت گرچه ملیت‌گرایی (ناسیونالیسم) به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی با ویژگی‌های خاص خود را می‌توان محصول دوران مدرن یعنی دوران پس از پیدایش سرمایه‌داری و فروپاشی اقتدارهای سراسری امپراتوری مذهبی و کلیسا در نظر گرفت، اما نمی‌توان پدیده ملت را به طور خاص پیامد پیدایش ناسیونالیسم دانست. به عبارت دیگر ملت پدیده‌ای کهن‌تر از ملیت‌گرایی است و گرچه در بسیاری از کشورهای تازه بنیان یافته، این ایدئولوژی ناسیونالیسم بود که به خلق پدیده هویت ملی و تصویر وجود یک ملت دست زد، اما نمی‌توان این موضوع را به کل تاریخ و به همه کشورهای و عرصه‌های جغرافیایی تعمیم داد؛ تاریخ بشر نشانگر این است که پدیده ملت در برخی جوامع پدیده‌ای بسیار کهن‌تر از عصر پیدایش ناسیونالیسم بوده است. به همین خاطر بود که دی‌اسمیت در کتاب ریشه قومی ملت‌ها به معرفی ملت‌های کهن یا باستانی دست زد و ایران را یکی از همان ملت‌ها به‌شمار آورد.

تمدن‌های باستانی و کهن هم‌چون ایران، یونان، مصر، چین و هند در زمره جوامعی هستند که می‌توان در آنها به جستجوی ریشه ملت‌ها و ملت‌های باستانی دست زد. به همین دلیل بود که دی‌اسمیت از تصاویر تخت جمشید بر روی جلد کتاب ریشه قومی ملت‌ها بهره گرفت تا نمونه‌ای از ملت‌های باستانی را به خوانندگان و پژوهشگران بحث‌های ملی ارائه دهد.

1. Anthony D. Smith (2009); *The Ethnic Origins of Nations*, Wiley, Blackwell.

2. Ethno-Symbolist Approach

دی‌اسمیت در کتاب در دست بررسی، یعنی *قدمت ملت‌ها* که می‌توان از آن به عنوان «باستانی بودن ملت‌ها» نیز نام برد، همین خط فکری را دنبال کرد و با بهره‌گیری از تصاویر به جای مانده از مصر باستان بر روی جلد کتاب خود، به نقد دیدگاه‌های مدرنیستی در رابطه پدیده ملت و ملیت پرداخت. البته باید به این نکته اشاره کرد، که نقد دی‌اسمیت به نوگرایان بیشتر به دیدگاه آنها در رابطه با «ملت» مربوط می‌شود و نه ملت‌گرایی (ناسیونالیسم)، زیرا دی‌اسمیت نیز به نوعی ناسیونالیسم را پدیده‌ای مدرن می‌داند و اصول اندیشه و عمل روشنفکران و نخبگان سیاسی این کتاب، در واقع مجموعه انسجام یافته و بازنگری شده مقالاتی است که دی‌اسمیت در سه دهه پیش آنها را در نشریات علمی و پژوهشی مربوط به مطالعات ملی در اروپا و آمریکا انتشار داده بود، و به نوعی در زمره نوشته‌های برجسته او که تأثیر بسیاری بر دانشجویان و پژوهشگران مسائل ملی و قومی گذاشتند، به‌شمار می‌روند.

کتاب به دو بخش اساسی شامل مباحث نظری و پشتوانه تاریخی آنها تقسیم‌بندی شده است، به گونه‌ای که از نه فصل کتاب، چهار فصل به مسائل نظری اختصاص داده شده و پنج فصل بعدی به استدلال‌های تاریخی. این خود نشان‌دهنده این نکته بسیار ظریف و مهم است که چگونه بحث‌های نظری باید از پشتوانه تاریخی و داده‌های کافی تاریخی برخوردار باشند تا بتوانند صلابت خود را نشان دهند. به واقع این نوعی نگاه جامعه‌شناسی تاریخی است و نقد آنانی که نظریه را به دور از داده‌های تاریخی و بدون توجه به زمان و مکان و برای تعمیم به همه مناطق جهان و همه کشورها به‌کار می‌گیرند و بر آن هستند که نظریه به تنهایی کاربرد جهانشمول دارد. این نگاه اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) در نوشته‌های بسیاری از پژوهشگران مسائل جهان در حال توسعه دیده شده و حتی برخی از پژوهشگران مسائل ملی و قومی در ایران نیز از این نگاه اثبات‌گرایانه و تعمیم‌گرا که دی‌اسمیت و پیروان او به نقد آن پرداخته‌اند، بهره گرفته و با به‌کارگیری نظریه‌های افرادی چون آندرسون و هابسباوم و یا نظریات پست مدرن، و با برخوردار از یک نگاه قوم‌گرایانه، پدیده‌های مهمی هم‌چون ملیت و هویت ملی را در ایران بررسی کرده‌اند.^۱

۱. برای نمونه می‌توان از دو اثر زیر نام برد:

- Vaziri, Mostafa (1994); *Iran as Imagined, The Construction of National Identity*, Marlowe & Company.

- Asgharzadeh, Alireza (2007); *Iran and Challenge of Diversity: Islamic Fundamentalism Aryanist, Racism, and Democratic Struggles*, Palgrave: Macmillan.

نخستین فصل کتاب با عنوان «افسانه ملت مدرن» و «افسانه‌های ملل»، یکی از مهم‌ترین بحث‌های نظری دی‌اسمیت بود که در اواخر دهه ۱۹۸۰م. در نقد دیدگاه‌های مدرنیستی به ملت نوشته شد. در این فصل دی‌اسمیت نظریه مدرن بودن ملت‌ها را به نوعی افسانه می‌داند، زیرا داده‌های تاریخی و مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی نشانگر کهن بودن ملت در برخی جوامع بشری از جمله ملت‌های باستانی چون ایران، یونان، مصر، هند و چین می‌باشد.

دومین فصل کتاب با عنوان «خاطره و مدرنیته: نظراتی درباره نظریه ارنست گلنر پیرامون ناسیونالیسم»، در واقع نگاه دی‌اسمیت به نظریه استاد خود او است که در زمرة نخستین نوگرایان عرصه بحث‌های مربوطه بوده است. ارنست گلنر، که پیدایش ملت‌ها را به فروپاشی پدیده‌های بزرگی چون امپراتوری‌ها نسبت می‌دهد، بر آن است که ناسیونالیسم محصول دوران پساامپراتوری و پساخلافت و اقتدار کلیسا است. در واقع دی‌اسمیت از بسیاری جهات با استاد خود هم‌صدا است و ناسیونالیسم را پدیده‌ای نو و محصول تلاش‌های فکری و ذهنی روشنفکران می‌داند. او در کتاب *نظریه ناسیونالیسم*، به طور مفصل این دیدگاه را بیان کرده است. دی‌اسمیت این فصل را در سال ۱۹۹۶م. در یکی از نخستین شماره‌های نشریه خود یعنی «ملت‌ها و ناسیونالیسم» منتشر کرده بود. در عین حال دی‌اسمیت، در این فصل به تشریح بیشتر دیدگاه خود درباره تبارشناسی ملت‌ها، دگرگونی فرهنگی و تداوم خاطره جمعی در به‌وجود آمدن ملت‌های مدرن می‌پردازد.

سومین فصل نظری کتاب یکی از مهم‌ترین بحث‌های نظری دی‌اسمیت در نقد دیدگاه‌های مدرنیستی به ملت است. این فصل با عنوان «ملت: اختراع شده، تخیلی یا بازسازی شده؟»، به نقد و بررسی برجسته‌ترین نظریه‌پردازان مدرنیسم یعنی اریک هابسباوم از یک سو و بندیکت آندرسون از سوی دیگر می‌پردازد. هابسباوم با تکیه بر مطالعات خود درباره جوامع اروپا و مستعمرات آن، ملت‌ها را پدیده‌ای اختراعی می‌داند که ریشه‌ای در گذشته ندارند. آندرسون نیز با ارائه نظریه جوامع خیالی، پدیده‌هایی چون ملت و قومیت را پدیده‌ای صرفاً خیالی می‌داند که پس از دوران مدرن و با اختراع سرمایه‌داری چاپ و آموزش همگانی به‌وجود آمد. دی‌اسمیت پس از شرح و نقد دیدگاه‌های این دو نظریه‌پرداز، دیدگاه‌های خود را درباره ریشه‌دار بودن ملت در جامعه بشری ارائه می‌دهد.

فصل چهارم با عنوان «ناسیونالیسم و نظریه اجتماعی کلاسیک»، در زمرة نخستین مقالات دی‌اسمیت است که موضوع ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی و کلیت را در

نظریه‌های علوم اجتماعی به بحث می‌گذارد. در این بحث، دی‌اسمیت ضمن ریشه‌یابی بحث ناسیونالیسم در جامعه‌شناسی، بزرگان این رشته را به‌خاطر نادیده گرفتن این موضوع مورد انتقاد قرار می‌دهد و به چگونگی مباحث مربوط به آن در دیدگاه‌های دیوید هیوم (منش ملی) (ص ۱۰۴) هردر (ص ۱۰۵) پرداخته و بزرگان جامعه‌شناسی چون آگوست کنت و سن سیمون را به‌خاطر نادیده گرفتن اهمیت ناسیونالیسم مورد نقد قرار می‌دهد (ص ۱۰۵).

دی‌اسمیت هم‌چنین نظریه مارکسیسم کلاسیک را همانند اسپنسر، مورگان به اروپامحوری و نادیده‌انگاری اهمیت ناسیونالیسم متهم سازد (صص ۱۰۵-۱۰۷). آنگاه در مباحث جامعه‌شناسی مدرن رهیافت‌های گوناگون به ناسیونالیسم، هم‌چون دیدگاه‌های توسعه‌گرا (ص ۱۱۰)، رهیافت‌های ارتباطات (صص ۱۱۱-۱۱۴) و رهیافت‌های مبتنی بر کشمکش (صص ۱۱۴-۱۱۷) را تحلیل می‌کند و با وجود اینکه می‌پذیرد که افرادی چون کارل دوویچ، لرنر، ارنست گلنر، و سپس کارل مانهایم و ادوارد شیلز به نوعی به نقش عوامل مؤثری همچون فرهنگ در اندیشه ناسیونالیسم توجه کرده‌اند، اما این نکته را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد که آنها قادر نبوده‌اند یک رهیافت عمومی یا نظریه عمومی درباره ناسیونالیسم به دست دهند (ص ۱۱۷).

فصل‌های بعدی کتاب، که زیر بخش تاریخ قرار دارند، به جنبه‌های عینی‌تر و جزئی‌تر مرتبط با مسئله ملت و ملیت می‌پردازند. دی‌اسمیت در فصل ششم کتاب با عنوان «جنگ و قومیت: نقش جنگ در شکل دادن، تصویرسازی و انسجام جوامع قومی»، که در زمره نخستین مقالات مشهور نشریه «مطالعات قومی و نژادی»^۱ بود، مسئله قومیت و آگاهی قومی را در پرتو پدیده جنگ ارزیابی می‌کند. دی‌اسمیت در این فصل موضوع قومیت را در دو عهد باستان و در دوران امپراتوری‌های بزرگ تشریح می‌کند. در این فصل آگاهی قومی یهودیان و به ویژه پس از آزادی یهودیان از اسارت بابل توسط کوروش پادشاه ایران (صص ۱۶۲-۱۶۳) را مورد بحث قرار می‌دهد. در این فصل نقش انقلاب‌ها در زنده شدن مسائل قومی، به‌ویژه در فرانسه، آلمان و روسیه به بحث گذاشته شده است. تأثیر جنگ‌های تمام عیار اول و دوم جهانی قرن بیستم در بیداری قومی و سرانجام نتایج مستقیم و غیرمستقیم جنگ در مسئله قومیت (صص ۱۷۱-۱۷۴) آخرین بحث فصل ششم کتاب است.

نخستین فصل بخش تاریخی کتاب با عنوان «آیا در عهد قدیم ملت‌ها وجود داشتند؟» بحث تازه‌ای است که پیش از این در جایی انتشار نیافته بود. در این فصل دی‌اسمیت می‌خواهد مبنا و پشتوانه‌ای تاریخی برای بحث‌های نظری خود پیدا کند و نشان دهد که چگونه در عهد باستان، برخلاف دیدگاه‌های مدرنیستی، ملت‌ها وجود داشته‌اند. دی‌اسمیت با تمرکز بر قدرت‌های باستانی چون مصر، ایران دوران هخامنشی، اشکانی و تا حدی ساسانی، روم و یونان وجود ملت‌ها را ردیابی می‌کند. دی‌اسمیت در این فصل با بر شمردن ویژگی‌های مدل اروپایی مربوط به ملت به این نتیجه می‌رسد که این مدل کارایی کمتری برای تحلیل ملت در دوران باستان یا قدیم دارد. به همین جهت با ارائه توصیفی جایگزین برای ملت (صص ۱۳۳-۱۳۶) و ویژگی‌های آن، شکل‌گیری ملت در دوران قدیم را با تکیه بر موارد تاریخی چون ارمنستان کهن، امپراتوری روم و ایران باستان (صص ۱۳۹-۱۴۵) مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل هفتم کتاب با عنوان «ریشه ملت‌ها» که باز هم در اواخر دهه ۱۹۸۰م. در چهارچوب مقاله‌ای در نشریه «مطالعات قومی و نژادی» چاپ شد، با ذکر موارد تاریخی، ریشه‌های ماقبل مدرن ملت را در کانون بحث خود قرار می‌دهد. دی‌اسمیت در پی این واقعیت مهم می‌باشد که ملت‌ها دارای ریشه قدرتمند و قوی در دوران کهن می‌باشند و برای نشان دادن این محور قومی^۱، نمونه‌های ایران باستان، مصر، یونان و روم را به خوانندگان معرفی می‌کند (صص ۱۸۴-۱۹۰). وی در آغاز فصل با اشاره به دیدگاه‌های مدرن هابسباوم، جان برویلی و دیگران، درصدد است نشان دهد که این دیدگاه‌ها بیشتر در مورد اروپای مدرن مطابقت می‌کنند تا مناطق دیگر جهان (ص ۱۸۲). وی نشان می‌دهد که چگونه در دوره معاصر، به ویژه در قرن بیستم، این گذشته قومی^۲ از سوی نخبگان فکری و سیاسی بازشناسی و دوباره کشف شد و مبنای ناسیونالیسم قرار گرفت (صص ۱۹۴-۲۰۰).

وی سرانجام در هشتمین و آخرین فصل کتاب، «عصر طلایی و زنده شدن دوباره آگاهی ملی» را مورد بحث قرار می‌دهد که پیش از این در اواخر دهه ۱۹۹۰م. در کتاب *افسانه‌ها و ملیت*^۲ چاپ شده بود. عصر طلایی در واقع به دوره‌ای از تاریخ ملت‌های کهن اشاره می‌کند که در آن از نظر قدرت و ثروت در اوج اقتدار بوده‌اند و این دوران

1. Ethnic Core

2. Geoffrey Hosking and George Schopflin (eds) (1997); *Myths and Nationhood*, London: Horst and Co.

طلایی دستمایه مهمی برای زنده شدن آگاهی ملی میان این ملتها قلمداد می‌شود. دی‌اسمیت با ارائه دادن نمونه‌هایی از دوران طلایی ایران باستان، امپراتوری رم، هند، مکزیک و تا حدی ایرلند نقش این دوره‌ها را در پیدایش آگاهی ملت و ناسیونالیسم در میان ایرانیان، ایتالیایی‌ها، هندی‌ها، مکزیکی‌ها و ایرلندی‌ها نشان می‌دهد. تأکید بر کارکرد «عصر طلایی» از بحث‌های جالب این فصل می‌باشد. دی‌اسمیت در این فصل ضمن بحث درباره ملت بدون برخورداری از عصر طلایی، یعنی دوران آشکار قدرت و اعتبار در تاریخ، نشان می‌دهد که چگونه برخی گروه‌ها نظیر اسلاوها، ترک‌ها و عرب‌ها که فاقد تاریخ‌های قومی مستند و مدرن و مشخص بودند (ص ۲۲۵)، عصر طلایی در ماورای سرزمین‌های خود در مناطقی چون آسیای میانه جستجو کردند و آن را بنای «پان» ناسیونالیسم قرار دادند.

دی‌اسمیت در این کتاب، کامل‌ترین و جامع‌ترین نقد را بر رهیافت مدرنیستی بر مطالعات ملی ارائه داده است. از آنجا که اصولاً دیدگاه‌های مدرنیستی بیشترین تأثیر را بر مطالعات علوم اجتماعی مربوط به ملیت و قومیت گذاشته است، دی‌اسمیت تأکید خود را بر نقد دیدگاه‌های محوری نظریه‌پردازان آن قرار داده است. همان‌گونه که اشاره شد، علاوه بر آندرسون، گلنر و هابسباوم، نظریه‌پردازان دیگر رهیافت نوگرا به ملت و ملیت همچون نارین، جان برویلی و رنجر نیز از سوی دی‌اسمیت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. دی‌اسمیت نقد خود بر این دیدگاه‌ها را در واقع بر «کوته‌بینی» و ساده‌اندیشی آنها و به‌ویژه از این نظر که به عنصر مکان و زمان در ارائه اندیشه‌های خود توجه نکرده‌اند، ملامت کرده است. به اعتقاد دی‌اسمیت این نظریه‌پردازان، موارد مطالعه جوامع غربی را به سایر نقاط جهان تعمیم کلی داده و نقش گذشته را در شکل دادن به دگرگونی‌ها در رویدادهای زمان کنونی نادیده گرفته‌اند. وی ضمن تأکید بر مدرن بودن ناسیونالیسم و بیشتر ملت‌های کنونی، بر ریشه‌های ملتها در علایق قومی از پیش موجود مبتنی بر اشتراک اسطوره‌های تاریخی و میراث فرهنگی تأکید می‌کند.

آنچه که از این کتاب، یک مجموعه منسجم نظری می‌سازد، مقدمه بسیار مهم نویسنده است که در آن ضمن طرح دیدگاه‌های نظری خود و ارائه نقدهای نوین بر نگرش‌های مدرنیستی به ملت فصل‌های گوناگون کتاب را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. دی‌اسمیت مدل «نمادگرایی قومی» خود را در برابر «سازه‌گرایی اجتماعی» آندرسون، هابسباوم و دیگران قرار می‌دهد و بر آن است که سازه‌گرایی اجتماعی، مدرن بودن

ملت‌ها را یکی از پایه‌های مسلم خود فرض می‌کند، اما به دلیل تأکید بر نمایندگی فرهنگی و مهندسی اجتماعی (ص ۱۳) از آن متفاوت است.

روی هم رفته می‌توان گفت که آنتونی دی‌اسمیت با گردآوری مقالات گذشته و جدید خود در این کتاب، کمک بزرگی نه تنها به فهم محدودیت حوزه‌های نظری در علوم اجتماعی درباره ملت، ملیت‌گرایی و قومیت کرده است، بلکه توانسته است به بهترین وجه خوانندگان را با تمامی ابعاد دیدگاه خود، یعنی رهیافت «نمادگرایی قومی» آشنا کند. از این جهت، کتاب قدمت ملت‌ها بیشترین کمک را به فهم نظریه او می‌کند و در زمره برجسته‌ترین نوشته‌های او به‌شمار می‌آید.

از آنجا که ایران با برخورداری از ریشه کهن تاریخی و میراث ملی و در عین حال گوناگونی مذهبی و زبانی در زمره برجسته‌ترین نمونه ملت‌های باستانی به‌شمار می‌آید، و هم‌چنین جایگاه ملت و ملیت و هویت ملی در آن به موضوع بحث مهمی در دوره معاصر، به‌ویژه عصر جهانی‌شدن تبدیل شده است، کتاب دی‌اسمیت می‌تواند کمک بسیار زیادی به علاقه‌مندان، پژوهشگران و دانشجویان مسائل ملیت و هویت در ایران بکند. این نکته به‌ویژه با توجه به تأکید دی‌اسمیت به ضرورت در نظر گرفتن زمان و مکان، به‌کارگیری روش جامعه‌شناسی تاریخی و پرهیز از تعمیم مدل‌های نظری اروپامحور برای سایر جوامع بشری اهمیت پیدا می‌کند. نکته‌ای که بسیاری از پژوهشگران و دانشجویان مسائل ملی و قومی در ایران معاصر به آن توجه نکرده و بدون تبارشناسی بحث‌های نظری در علوم اجتماعی پیرامون هویت و ملیت، دیدگاه‌های مدرنیستی به مطالعات ملی، به‌ویژه دیدگاه‌های آندرسون، گلنر و هابسباوم و نگرش‌های پست‌مدرن را بدون درک ویژگی‌های خاص ایران به‌عنوان یک ملت باستانی، در تحلیل خود از جایگاه ملت و ملیت به‌کار می‌گیرند.

حمید احمدی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

Email: hahmadi@ut.ac.ir